

نقش و جایگاه ارزشهای شیعی در دیپلماسی عمومی

رضا امیرزاده^۱ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تهران
صادق زینالی - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
حجت زمانی‌راد - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۵

چکیده

سازهانگاری به‌عنوان رهیافتی نوظهور اما با فلسفه‌ای جذاب در روابط بین‌الملل با تأکید بر «ذهنیت و هویت»، صورت‌بندی نوینی از مسائل و راه‌حل‌های این دانش ارائه می‌کند. در همین چارچوب، دیپلماسی عمومی با تأکید بر ارزش‌ها - که مؤلفه‌ای بسیار مهم در شکل دادن به ذهنیت و هویت هستند - عرصه‌ای جدید و گسترده در زمینه سیاست خارجی می‌گشاید که دیگر منحصر به فعالیت‌های رسمی و شناخته شده نیست. بر این اساس، ارزش‌های اسلامی به‌صورت عام و ارزش‌های شیعی به‌صورت خاص با فصل‌های مشترک بنیادینی که میان ایران و کشورهای منطقه برقرار می‌کند؛ ظرفیتی کم‌نظیر برای سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین، در این مقاله به این سوال اصلی پرداخته شده است که: «ارزش‌های شیعی در افزایش قدرت و نفوذ ایران از طریق دیپلماسی عمومی در کشور عراق چه نقش و جایگاهی دارند؟» و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره بردن از منابع کتابخانه‌ای این فرضیه مورد آزمون قرار گرفت که: «ارزش‌های شیعی به‌عنوان زمینه فرهنگی مشترک میان ایران و عراق، در افزایش موفقیت دیپلماسی عمومی ایران در عراق تأثیر مثبت و معناداری دارد». در نهایت، با تأیید شدن فرضیه مذکور، پیشنهادات و راهکارهایی برای بهره‌برداری از این ظرفیت ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: سازهانگاری، دیپلماسی عمومی، ارزشهای شیعی، ایران، عراق.

۱- مقدمه

رابطه ایران و عراق از ابتدای شکل‌گیری این کشور در سال ۱۹۲۰ تا کنون روندهای مختلفی را به‌خود گرفته است. روابطی که به‌ویژه تحت سایه عوامل ژئوپلیتیک همواره تهدیدزا و همراه با تنش بوده است تا آنجا که می‌توان گفت اختلافات مرزی بیشترین تأثیرگذاری را بر روابط دو کشور داشته است. دیرزمانی عراق، جزئی از قلمرو امپراطوری ایران محسوب می‌شد اما آنان پس از حمله اعراب به ایران موفق شدند این منطقه را از حاکمیت ایران بیرون آورند. عراق تا مدت‌ها جزئی از امپراطوری عثمانی به‌شمار می‌رفت تا اینکه در جریان جنگ جهانی اول از این امپراطوری جدا شد. تاکنون در تحقیقات انجام شده پیرامون رابطه دو کشور ایران و عراق بیشتر به بررسی عوامل دولتی و رسمی پرداخته شده است؛ اما پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر ارزش‌های شیعی بر دیپلماسی عمومی ایران در عراق است.

روابط کشورها در سال‌های متمادی - تحت تأثیر رهیافت رئالسیسم و نیز مفاهیمی مانند قدرت سخت - به روابط رسمی دولت‌ها که تحت عنوان دیپلماسی (سنتی) نامیده می‌شد محدود شده بود. اما چندسالی است که با ظهور رهیافت‌های جدید و منتقد رهیافت‌های سنتی - به‌ویژه با برآمدن رهیافت سازه‌انگاری - مفاهیمی همچون قدرت نرم، نفوذ، دیپلماسی عمومی و غیره وارد دانش روابط بین‌الملل شده و ارتباطات کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. مفهوم دیپلماسی عمومی تأکید می‌کند که علاوه بر روابط رسمی بین کشورها مواردی از روابط غیررسمی نیز وجود دارند که می‌تواند به پیشبرد منافع کشورها کمک کند. دیپلماسی عمومی با اشاره به «پدیده جذابیت» تأکید می‌کند هرآنچه از تهدید و یا پاداش فاصله بگیرد و به سمت ایجاد جذابیت سوق پیدا کند به مفهوم دیپلماسی عمومی نزدیک‌تر شده است. دیپلماسی عمومی از مؤلفه‌های مختلفی تشکیل می‌شود که اجماع نظری چندانی هم درمورد آن وجود ندارد. اما می‌توان موارد زیر را به‌عنوان سه قسمت اصلی آن دانست: دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی رسانه‌ای و مجازی، دیپلماسی اقتصادی و بازرگانی (Ashna & Jafari, 2007: 183-187).

در ذیل همین چارچوب؛ یکی از عناصر مهمی که می‌تواند در عرصه روابط دوکشور ایران

و عراق نقش تعیین کننده‌ای را ایفا کند ارزش‌های شیعی است. این عنصر با توجه به اینکه تعداد کثیری از مردم دوکشور را در بر می‌گیرد می‌تواند نقش بسزایی در این زمینه داشته باشد. عنصر کلان شیعی با توجه به خرده - عناصر دیگری مانند سفرهای مذهبی مردم دو کشور، مردم ایرانی مُقَلِّد مراجع تقلید عراق و مردم عراقی مُقَلِّد مراجع ایران، نزدیکی فرهنگی مردمان شیعی و غیره می‌تواند ظرفیت عظیمی را برای دیپلماسی عمومی ایران در عراق فراهم آورد. شرط استفاده از این موقعیت نیز - در درجه اول - شناسایی کامل ظرفیت‌های مذکور است. این پژوهش، شناخت ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران را - به‌عنوان کشوری شیعی در رابطه با کشور عراق به‌عنوان کشوری که اکثریت مردم آن شیعه‌اند و بعد از سقوط صدام، نظام سیاسی آن نیز عمدتاً در اختیار شیعیان قرار گرفته است - هدف خود قرار داده است. دیپلماسی عمومی ایران در سطح توده مردم قابلیت‌های بسیار مختلفی برای افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از طریق تمسک به ارزش‌های شیعی دارد. در سطح نخبگان نیز با توجه به اینکه بسیاری از سیاست‌مداران و نظامیان دهه اخیر عراق، شیعه و مورد حمایت ایران بوده‌اند؛ در صورت ارتباط‌گیری مناسب می‌تواند دیپلماسی عمومی را با تکیه بر ارزش‌های شیعی به نمایش بگذارد. بر همین اساس، بررسی و شناسایی دقیق مصادیق ارزش‌های شیعی در عراق - که قدرت دیپلماسی عمومی ایران را در آن کشور ارتقا بخشیده است - لازم و ضروری به‌نظر می‌رسد. با انجام این تحقیق و شناسایی این مصادیق، از یک‌سو می‌توان آن موارد را در عراق تقویت کرد و از سوی دیگر می‌توان آن را در برخی دیگر کشورهای دارای جمعیت شیعی به‌کار برد. همچنین ذکر این نکته نیز لازم است که تأکید اصلی مقاله حاضر بر شناخت عراق در زمان کنونی است که تلاش شده با شناخت ویژگی‌های فعلی عراق راهکارهایی برای آینده آن ارائه شود.

بنابراین در مقاله حاضر این هدف اصلی دنبال می‌شود که با پیدا کردن ارزش‌های مشترک تشیع بین دو کشور ایران و عراق از آن به‌عنوان عامل و ابزاری در راستای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق استفاده کرده و این عامل را به متغیری برای ارتقاء جایگاه ایران در این کشور تبدیل کند. از نظر اهمیت چنین مباحث و مطالعاتی نیز گفتنی است

که پس از شناخت مصادیق و اهمیت ارزش‌های شیعی در عراق، از یک سو می‌توان آن عوامل را در عراق تقویت کرد و از سوی دیگر این امر می‌تواند مقدمه خوبی برای ورود به بحث تقویت این ارزش‌ها در دیگر کشورهای با جمعیت شیعی باشد. به‌طور مثال حدود ۷۵ درصد از جمعیت کشور آذربایجان، شیعه هستند. اما با این وجود ایران نتوانسته مانند عراق در آن کشور اثر گذار باشد. انجام این تحقیق در کشور عراق می‌تواند مقدمه خوبی برای تحقیقات پژوهشگران بعدی برای ورود به بحث شناسایی این ظرفیت‌ها در دیگر کشورهای شیعی باشد. این تحقیق با دغدغه کاربردی بودن نگاهی آینده‌نگر داشته و تلاش خواهد کرد نتایج آن نیز عملیاتی باشد.

۲- روش تحقیق

از جمله ویژگی‌های مطالعه علمی، استفاده از یک روش تحقیق مناسب می‌باشد و انتخاب روش تحقیق به هدف‌ها و ماهیت موضوع مورد تحقیق و امکانات اجرایی آن بستگی دارد (Khaki, 2000). پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی است. هدف تحقیقات کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. به‌عبارت دیگر، تحقیقات کاربردی به سوی کاربرد علمی دانش هدایت می‌شود و نتایج این نوع تحقیقات می‌تواند به اتخاذ تصمیمات بهتر در جامعه مورد پژوهش کمک کند (Sarmad et al, 2007).

بر همین اساس، این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی در تلاش خواهد بود تا موضوع را مورد کنکاش قرار دهد و به‌منظور گردآوری داده‌ها، ضمن بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، با توجه به کمبود داده‌های مکتوب در این حوزه و ضرورت افزودن غنای بیشتر به تحقیق با انجام مصاحبه، از دیدگاه نخبگان نیز استفاده خواهد کرد. به‌عبارتی روش انجام این تحقیق روش توصیفی تحلیلی خواهد بود. ابزار کار نیز استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه است. طرح انجام شده نیز از نوع کاربردی بوده و ابزار تجزیه و تحلیل کیفی خواهد بود.

۳- مبانی نظری

رهیافت - یعنی مبانی بنیادین نظری؛ مانند معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی - سنگ‌بنای تحقیق است و همه فرآیندهای پژوهش در دل رهیافت شکل گرفته و انجام می‌شود. بنابراین اصلی‌ترین و اساسی‌ترین کار هر محقق، در گام اول آشنایی عمیق با این رهیافت‌ها است. در مجموع و در یک دیدگاه کلان، می‌توان رهیافت‌های موجود در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل را به دو قسم طبیعت‌گرایی و فراطبیعت‌گرایی تقسیم کرد و در این میان باید توجه داشت که عنوان فراطبیعت‌گرایی، عنوان کلی و کلانی است که شامل تمام واکنش‌ها به طبیعت‌گرایی می‌شود و بنابراین در دل خود رهیافت‌های گوناگونی را جای داده است. در ذیل دیدگاه فراطبیعت‌گرا و معنا محور و فهم محور، که به ذهنیت انسان جایگاهی ویژه می‌بخشد، می‌توان به رهیافت‌هایی مانند تفسیرگرایی، پساساخت‌گرایی، گفتمانی و انتقادی - هنجاری اشاره کرد که در عین تفاوت‌های جدی و مهمی که با یکدیگر دارند در آنچه که ذکر شد دارای وجوه مشترکی هستند (Moshizadeh, 2010: 30; Manoochehri, 2011: 32). در بین نظرات و رویکردهایی که در واکنش به طبیعت‌گرایی (رفتارگرایان) شکل گرفته‌اند، نظریه سازه‌نگاری از جایگاه مهم و ویژه‌ای در روابط بین‌الملل برخوردار است. این نظریه به دلیل محوریت «ذهنیت» در آن و تأکیدی که بر «تصور دولت‌ها از خود و محیط اطراف و دیگران» و لذا «هویت» دارد به‌عنوان چارچوب نظری مقاله پیش‌رو انتخاب شده و بنابراین در این قسمت به توضیح و تشریح مختصر آن می‌پردازیم.

۳-۱- رهیافت سازه‌نگاری^۱

در تحلیل رفتار دولت‌ها و افراد، عمده توجه سازه‌نگاران معطوف به معانی، هنجارها و رویه‌ها است. اما از سوی دیگر اهمیت واقعیت مادی را می‌پذیرند و به این طریق هم از مادی‌گرایی صرف ساخت‌گرایان متمایز می‌شوند و هم از معنا محوری مطلق پساساخت‌گرایان. سازه-

۱- برای دیدن بحثی مبسوط در زمینه سازه‌نگاری - که منابع پایه این بخش از مقاله نیز هستند - ر.ک:

Moshizadeh, 2010 ; Atai & Mansoori Moghadam, 2013

انگاران بر ابعاد مادی و غیر مادی حیات اجتماعی به‌طور توأمان تأکید دارند و در پی نشان دادن این امر هستند که جهان مادی چگونه به کنش انسانی شکل می‌دهد و نیز کنش و تعامل انسانی چگونه به جهان مادی شکل می‌دهد. هم‌چنین از دید ایشان خود کنش و تعامل انسانی نیز وابسته به تفاسیر پویای هنجاری و معرفت‌شناختی جهان مادی است (Ataei & Mansoori Moghadam, 2013: 140).

در نگرش سازه‌انگاری بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌شود و جهان به‌عنوان چیزی ساخته و ابداع شده فرض می‌گردد و نه چیزی که بتوان آن را طبیعی، مسلم و از قبل داده شده فرض کرد. بنابراین امکان دسترسی مستقل و بی‌واسطه به جهان وجود ندارد. کنش‌های انسانی صرفاً در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرند و معنا پیدا می‌کنند و همین معناسازی است که کم و بیش به واقعیت جهان شکل می‌دهد. در واقع، جهان اجتماعی شبکه‌هایی تفسیری هستند که افراد و گروه‌های انسانی آنها را شکل می‌دهند. بنابراین برای سازه‌انگاران ساختارهای فکری و هنجاری نیز به اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند چرا که این نظام‌های با معنا هستند که تعیین‌کننده تفسیر کنش‌گران از محیط مادی خود هستند (Pourahmadi & Mousavinia, 2006: 35).

در کنار این موارد باید به مقوله بسیار مهم دیگری در سازه‌انگاری اشاره کرد و آن مسئله «هویت» است. از دید سازه‌انگاری این هویت‌ها هستند که به منافع و کنش‌ها شکل می‌دهند بنابراین فهم این که «هویت چیست؟ و چگونه شکل می‌گیرد؟» نقشی بنیادین و اساسی در تحلیل رفتار اشخاص و دولت‌ها دارد. روابط بین‌الملل فقط یک نظام مرکب از کنش‌گران غیراجتماعی نیست بلکه جامعه‌ای است مرکب از کنش‌گران اجتماعی که در تعامل با یکدیگر به‌سر می‌برند. این تعامل در خلأ نیست بلکه بر اساس مجموعه‌ای از قواعد و هنجارها است؛ قواعد و هنجارهایی که به‌طور بین‌الذهانی شکل گرفته‌اند و به‌طور بین‌الذهانی هم فهمیده می‌شوند. در این رویکرد است که مفهوم هویت به مسئله‌ای محوری تبدیل می‌شود. هویت به‌معنای فهم‌های نسبتاً ثابت و مبتنی بر نقش خاص از خود و انتظارات از دیگران معنا می‌شود. کنش‌گران، منافع و هویت خود را از طریق مشارکت در معانی جمعی کسب می‌کنند. ساختارها

را نیز همین معانی تعریف می‌کنند. این که یک کنش‌گر نسبت به دیگری چگونه عمل می‌کند براساس معنایی است که آن «دیگری» برای او دارد (Jahangir & Yousefnia Pasha, 2012: 137-138). بدیهی است که در این تحلیل کنش‌گر هم می‌تواند فرد و عامل منفرد انسانی باشد و هم یک دولت در مجموعه نظام بین‌الملل.

روشن است که این فهم و تفسیر سازه‌انگاران از کنش‌گر (فرد یا دولت) در تقابل با تفسیر واقع‌گرایان است که از هویت‌های خودمحور و منافع ملی مسلم سخن می‌گویند. به عقیده سازه‌انگاران هویت و منافع را باید به‌عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفت که خودشان محتاج توصیف و روش شدن هستند نه به‌عنوان متغیرهای مستقل روشن مشخص معین. نتیجه دیگر سازه‌انگاری در امر هویت این است که برداشت کنش‌گران از خود، منافع و اهداف‌شان امری ذاتاً تغییرپذیر است. در دل همکاری، هویت جمعی شکل می‌گیرد و به‌وسیله هویت جمعی امکان همکاری‌های بیشتر فراهم می‌شود. لذا از دید سازه‌انگاران ساختارها و نهادها، برآیند تعاملات اجتماعی هستند، کنش‌گران و سوژه‌ها، سوژه‌های ایستا نیستند بلکه کارگزاران پویا و اثرگذارند، هویت‌های کنش‌گران اموری یکپارچه و یکسان و ثابت نیست، این هویت‌ها از طریق رویه‌ها و روندهایی پیچیده و متداخل و بعضاً متناقض تاریخی است که تکوین و قوام می‌یابند؛ پس دگرگونی‌پذیر و سیال هستند. تصمیم‌گیری کنش‌گران به‌شدت وابسته به این امر است که خود را و جهان پیرامون خود را چگونه تعریف می‌کنند و برای خود چه اهدافی قائل هستند.^۱

۲-۳- دیپلماسی عمومی

بر اساس آنچه که درباره سازه‌انگاری به‌عنوان چارچوب نظری بحث حاضر گفته شد؛ می‌توان چنین نتیجه گرفت که در عرصه دیپلماسی دیگر نمی‌توان به دیپلماسی سنتی اکتفاء کرد. بر

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Seyfzade (2004), Ghasemi (2005), Farnsworth (1992), Goldestein & Joshuas (1999), Reyman Aron (1973), U.S department of state, (1987)

اساس سازه‌انگاری، دیپلماسی عمومی در مرکز تأملات و اقدامات دیپلماتیک یک دولت قرار می‌گیرد و می‌باید نقشی اساسی در سیاست خارجی دولت‌ها داشته باشد.

دیپلماسی در نگاه محدود آن به شیوه مسالمت‌آمیز سیاسی در حل و فصل منازعات بین‌المللی اطلاق می‌شود که قاعدتاً در نقطه مقابل روش‌های قهرآمیز نظامی قرار می‌گیرد. البته دیپلماسی را در مفهومی گسترده‌تر می‌توان به معنای مدیریت سیاست خارجی در نظر گرفت که طی آن کلیه اقداماتی را که یک دولت در روابط خارجی خود در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تجاری، مالی، تکنولوژیک، امنیتی و نظامی انجام می‌دهد را در بر می‌گیرد. در این مفهوم گسترده، دیپلماسی کلیه الگوهای رفتاری یک دولت در عرصه روابط بین‌الملل را پوشش می‌دهد. دیپلماسی را بعضاً با سیاست خارجی هم معنا در نظر می‌گیرند. بر این مبنا می‌توان گفت درحالی‌که سیاست خارجی به صورت جوهره هدف‌ها و گرایش‌ها در روابط دولت‌ها با یکدیگر مطرح است؛ دیپلماسی پوششی است برای اجرای سیاست خارجی و راهی است جهت عملیاتی کردن هدف‌ها، منافع و استراتژی‌ها در محیط بین‌المللی (Ghavam, 2005: 8).

هر اندازه که در دیپلماسی سنتی تأکید بر استفاده از روابط رسمی در پیشبرد اهداف سیاست خارجی مطرح است؛ در دیپلماسی عمومی تأکید بر ایجاد جذابیت در کشور دیگر خودنمایی می‌کند. به شکلی که یک کشور بتواند با ارائه یک چهره مثبت و سازنده از خود نگاه احترام‌آمیز و دوستانه‌ای را در دیگر کشورها ایجاد کند. به دیگر سخن، زمانی که پای جذابیت به میان می‌آید، دیپلماسی عمومی خود را نشان می‌دهد.

بر همین اساس، جذابیت یک کشور به طور معمول قدرت نرم خوانده می‌شود که به صورت بالقوه وجود دارد و کشورها تلاش می‌کنند آن را تقویت کنند. چیزی که امروزه دیپلماسی عمومی خوانده می‌شود نیز در واقع ابزاری برای اعمال قدرت نرم در عرصه عمل محسوب می‌شود. گولین معتقد است دیپلماسی عمومی، ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق ارتباط با مردم خارج از مرزهای جغرافیایی است. بر این اساس مسائلی از قبیل اعزام دانشجو به خارج از کشور، ارتباطات فرهنگی، ارتباطات تحصیلی، مبادلات علمی و مواردی

مانند این در حوزه دیپلماسی عمومی قرار می‌گیرند. در تعریفی دیگر می‌توان گفت دیپلماسی عمومی به مجموعه‌ای از ساز و کارها گفته می‌شود که به وسیله آن، سیاست خارجی یک کشور برای عامه مردم آشکار می‌شود - به این معنی که هدف اصلی مردم هستند. دیپلماسی عمومی مخاطبان خارجی را هدف خود قرار می‌دهد و هسته اصلی دیپلماسی آن، ارتباط هدایت شده با افراد خارجی به منظور تأثیر گذاشتن بر افکار آنها و در نهایت نیز بر دولت‌های آنهاست (Rafie & Nikraves, 2013: 105-107).

مفهوم دیپلماسی عمومی در این تحقیق به معنی پیشبرد اهداف از طریق ایجاد جذابیت در نظر گرفته شده است. به این معنی که برای انجام یک کار سه راه وجود دارد: پاداش، تهدید و ایجاد جذابیت. با توجه به تعریف در نظر گرفته شده، زمانی که ایجاد جذابیت مطرح می‌شود، دیپلماسی عمومی موضوعیت پیدا می‌کند. از سوی دیگر، مخاطب ما در دیپلماسی عمومی، افکار عمومی مردم در دیگر کشورها هستند. به این معنی که ما از طریق دیپلماسی عمومی به دنبال جهت دادن به افکار عمومی مردم کشورهای مختلف بر اساس اهداف خود هستیم.

۴- تشیع و ارزش‌های شیعی

در این قسمت به بیان ارزش‌ها، خصوصیات و ویژگی‌های شیعیان پرداخته خواهد شد. در ابتدا لازم است که به تاریخ مختصر این مذهب اسلامی اشاره شود.

۴-۱- تبارشناسی شیعه

شیخ مفید (۴۱۳-۳۳۶ ه.ق) - یکی از متکلمین اولیه و مهم مذهب تشیع، معتقد است: شیعه کسی است که به امامت علی بن ابی طالب (ع) معتقد باشد؛ چه به سبب نص همانند شیعیان امامیه و چه به سبب وصف آن‌گونه که جارودیه و زیدیه معتقدند. جاحظ (۲۵۵-۱۶۰ ه.ق) نیز به‌عنوان متکلمی سنی معتقد است در صدر اسلام کسی که علی (ع) را بر عثمان مقدم می‌داشت

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Hadian (2013), Mobini Moghadas (2013), Akhavan kazemi (2009), Dehghani Firouzabadi (2012), Ashtarian (2007), Nikaein (2009), Ashna (2007), Morrow, E. (1965), Madison, J. (2005), Public Lord, C. (2006)

شیعی گفته می‌شد و در مقابل به کسی که عثمان را بر علی (ع) مقدم می‌داشت عثمانی می‌گفتند. ابن خلدون (۸۰۸-۷۳۲ ه.ق) - تاریخ‌نگار شهیر اسلامی - معتقد است شیعه در لغت به معنی پیرو و طرفدار است و در اصطلاح فقیهان و متکلمان متقدم و متأخر، بر پیروان علی (ع) و فرزندان او اطلاق می‌شود. رسول جعفریان از محققین معاصر تشیع نیز معتقد است قدیمی‌ترین سندی که کلمه «الشیعه» در آن به طور مشخص برای پیروان امام علی (ع) به کار برده شده است مربوط به نامه شیعیان کوفه در تسلیت شهادت امام حسن (ع) به برادرش امام حسین (ع) است (Jafarian, 2011: 40-50).

۲-۴- ارزش‌های شیعیان

۱-۲-۴- امامت و پایه‌های ارزشی سه گانه آن: «عصمت، ولایت و غیبت»

شاید بتوان مدعی شد که مهم‌ترین وجه ممیزه تشیع از دیگر مذاهب اسلامی، اعتقاد به امامت است. عصمت، ولایت و غیبت نیز به عنوان پایه اساسی نظام امامت شیعه از نظر اعتقادی و نظری شناخته می‌شود. این سه پایه ارزشی است که تفاوت کلامی - فقهی را بین دو مذهب شیعه و سنی به وجود آورده است. البته در این بین عصمت، ویژه مذهب امامیه (شیعیان دوازده امامی) و اسماعیلیه است و دیگر فرقه‌های اسلامی چنین عقیده‌ای را ندارند. عنصر ولایت نیز از نظر شیعه از لوازم تفکیک‌ناپذیر اعتقاد بر عصمت و علم غیب در امام محسوب می‌شود. در نهایت نیز باید گفت که غیبت نیز از دیگر ارکان اساسی اندیشه شیعه به‌شمار می‌رود. خواجه نصیر طوسی در عبارت مشهور خود علت غیبت امام زمان (عج) را عدم تمکین مکلفان و تبه‌کاری جوامع بشری معرفی می‌کند (Feirahi, 2003: 191-199). البته این نکته نیز قابل گفتن است که زیدیه با امام مکتوم و غایب از نظر موافقتی ندارد. آنان معتقدند امامت در کارآیی سیاسی - اجتماعی آشکار امام نهفته است (Ghaderi, 2008: 54).

۲-۲-۴- عدالت

عدالت یکی از اساسی‌ترین اصولی است که در بین گروه‌های مختلف شیعیان مشترک بوده و

جزء اصول اعتقادی تشیع و گرایش‌های مختلف آن به حساب می‌آید. البته این اشتراک لزوماً به این معنی نیست که تمامی گروه‌های شیعیان تعریف واحدی از عدالت دارند (Ghaderi, 2008: 53).

۳-۲-۴- ظلم‌ستیزی

ظلم‌ستیزی و مقابله با ظالم یکی از اصول اساسی اسلام و تشیع محسوب می‌شود. در این رابطه آیات و احادیث متعددی وجود دارد. علاوه بر این، شیعیان در تمام طول تاریخ اسلام در اقلیت بوده‌اند و در بسیاری از موارد و برای دوره‌های طولانی تحت تعقیب و قتل و غارت نیز قرار داشته‌اند. همین امر سبب اهمیت مضاعف ظلم‌ستیزی در اندیشه شیعه شده است. در دوران معاصر این ظلم‌ستیزی به نوعی در غرب‌ستیزی مصداق پیدا کرده است تا آنجا که با رجوع به سخنان رهبران جمهوری اسلامی ایران این مواضع کاملاً روشن و آشکار است.

۴-۲-۴- یاری مظلوم

روی دیگر ظلم‌ستیزی، یاری مظلوم است که به همان دلایل پیش گفته جایگاه مهمی در اندیشه تشیع دارد. در قرآن و احادیث به کرات درباره رسیدگی به امور مظلومین و ستم‌دیدگان اشاره شده است.

در ادامه نیز به برخی از دیگر ارزش‌های مورد اعتقاد شیعیان به صورت گذرا اشاره می‌شود: اصول پنجگانه دین با تکیه بر عدالت و امامت؛ تأکید بر روی شریعت و شریعت‌محوری؛ قاعده نفی سبیل؛ جهاد؛ جائزانه دیدن حکومت‌های غیر معصوم یا غیر مأذون؛ شخصیت‌محوری؛ زعیم‌محوری؛ قدسی دیدن تمام امور از جمله سیاست؛ متافیزیک و ماوراءالطبیعه پررنگ و قاهرانه؛ مناسبت‌های مذهبی فراوان و در عین حال مهم به‌خصوص عاشورا (روز شهادت امام حسین)؛ اهمیت و ارزش قبور امامان شیعه و زیارت آنها؛ مذهب‌محوری به جای قوم‌محوری (کم‌اهمیتی مسائل نژادی و قومی در برابر مسائل مذهبی) و آرمان‌خواهی (Aboutalebi, 2006: 10-23).

۵-۲-۴- اهداف و آمال شیعیان عراق

برای پاسخ به این سوال که: «ارزش‌های شیعی در عراق چه ظرفیت‌های بالقوه و بالفعلی را می‌توانند برای جمهوری اسلامی در پی داشته باشند؟» باید ابتدا اهداف و آمال شیعیان عراق را شناخت. زیرا تا این شناخت حاصل نشود و تصویر روشنی از وضعیت فعلی شیعیان در عراق به دست نیاید؛ نمی‌توان طرح روشنی را برای دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در عراق در نظر گرفت.

همان‌طور که اشاره شد یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین معضلات تاریخی شیعیان در عراق برکنار بودن آنان در حکومت‌های قبلی این کشور علی‌رغم برتری جمعیتی آنان است. طبعاً یکی از مهم‌ترین اهداف شیعیان عراقی نیز جلوگیری از تکوین مجدد چنین حکومت‌هایی در عراق است. بی‌شک راه رسیدن به چنین دستاوردی، حضور فعالانه شیعیان در ساختار و سامان سیاسی عراق جدید است؛ راهی که قانون اساسی عراق آن را برای شیعیان هموار کرده است.

گروهک‌های تندرو و تروریستی که دیروز و امروز مشغول خون‌ریزی و کشتار و ایجاد ناامنی و بی‌ثباتی در عراق بوده‌اند غالباً جزو گروه‌های تکفیری هستند. طبیعتاً این امر مسئله‌ای نیست که مورد رضایت شیعیان عراق باشد. بنابراین شیعیان این کشور به دنبال حکومت و دولتی هستند که بتواند آرامش و ثبات را به عراق بازگرداند؛ تمامیت آن را حفظ کند و گرایش‌های ضد شیعی در این کشور را کنترل و کمرنگ نماید. راه حل دستیابی به این هدف نیز - علاوه بر آنچه که در بند قبلی ذکر شد - ارائه حکومتی کارآمد، موفق و با قابلیت‌ها و سازوکار دموکراتیک شفاف و بهبود اوضاع اقتصادی است.

شیعیان برای رسیدن به آمال پیش‌گفته دارای ظرفیت‌ها و محدودیت‌هایی هستند که مهمترین آنها عبارتند از:

ظرفیت‌ها:

- ۱- سازماندهی و انسجام نسبی حول روحانیت و مرجعیت؛
- ۲- فقدان رقیب جدی در عراق از حیث اکثریت، انسجام و منابع زیرزمینی.

محدودیت‌ها:

- ۱- گروه‌های تکفیری مورد حمایت برخی از کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛
- ۲- نگرانی کشورهای عمدتاً سنی مذهب منطقه به‌ویژه عربستان سعودی از قدرت‌گیری شیعیان در عراق (Jafari Valadani & Jafari, 2016: 204).

۶- یافته‌های تحقیق

در این قسمت از پژوهش، دستاوردهای نظری و عملی در قالب یافته‌ها تبیین می‌شوند. این قسمت خود دارای دو بخش است. در بخش اول به اهداف جمهوری اسلامی ایران در عراق پرداخته خواهد شد؛ زیرا تا زمانی که این اهداف شناخته نشوند نمی‌توان پیشنهادی عملیاتی و کاربردی برای دیپلماسی ایران در عراق داشت. همچنین، این بخش به‌صورت هنجاری خواهد بود نه توصیفی. به این معنا که قصد مقاله حاضر این نیست که سیاست‌ها و اهداف اجرا شده و پیگیری شده جمهوری اسلامی ایران در عراق را شرح و توصیف کند. بلکه مراد اصلی این است که با تحلیل دقیق و جامع سپهر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عراق؛ مشخص شود که اتخاذ چه سیاست‌هایی در عراق می‌تواند منافع ایران را بهتر و بیشتر فراهم کند. در واقع پیشنهادهای عملی مقاله حاضر برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق، بخش مهمی از یافته‌های این پژوهش بوده و مبنای تبیین یافته‌های بعدی - که ذکر خواهند شد - خواهند بود. نکته دیگر اینکه سعی می‌شود در ذیل ترسیم اهداف مطلوب ایران در عراق - که به‌نظر مقاله حاضر باید پیگیری شوند - پیشنهادهای کاربردی و در دسترس نیز بر اساس بافت فرهنگی و قومی عراق داده شود.

بخش بعدی یافته‌های پژوهش، به‌صورت خاص‌تری به ارائه پیشنهاداتی برای ارتقای دیپلماسی عمومی ایران در عراق مبتنی بر ارزش‌های چهارگانه شیعی پیش گفته خواهد پرداخت.

۱-۶- اهداف مطلوب جمهوری اسلامی ایران در عراق

ما باید اهداف مطلوب جمهوری اسلامی در عراق را احصاء کرده و سپس پیرامون این موضوع تأمل کنیم که چگونه می‌توان بر اساس ارزش‌های شیعیان عراق آنها را ترغیب کرد که در راستای اهداف جمهوری اسلامی گام بردارند؟ به عبارت دیگر همانطور که در قسمت «مباحث نظری» توضیح داده شد در بحث دیپلماسی عمومی تلاش بر این است تا اهداف مدنظر به جای اعطای پاداش و یا اعمال زور و تهدید با ایجاد جذابیت محقق شود. در این قسمت نیز تلاش خواهیم کرد تا به تشریح این نکته پردازیم که به چه صورت می‌توان از ارزش‌های چهارگانه شیعه استفاده کرد تا اصول دیپلماسی عمومی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق محقق شده و به‌عنوان ابزاری در خدمت سیاست خارجی ایران قرار گیرد. لازم به ذکر است که این اصول هم‌زمان دربرگیرنده منافع بلندمدت عراق به‌عنوان کشوری یکپارچه و همچنین شیعیان این کشور می‌شود. بنابر پایه تئوریک ذکر شده در تعریف از دیپلماسی عمومی، ارزش‌های شیعی در عراق می‌توانند به‌عنوان بخشی از نمانام‌سازی^۱ برای این کشور در نظر گرفته شود. در مبحث نمانام‌سازی این نکته مطرح می‌شود که پس از ذکر نام یک کشور در حوزه‌های مختلف اولین چیزی که به اذهان متبادر می‌شود چیست؟ ارزش‌های شیعی در عراق توان معرفی عراق به‌عنوان کشوری با نظام سیاسی موافق تشیع، اکثریت جمعیت شیعه و یکی از بزرگترین مرجع اماکن مقدس شیعی را دارند. با این تصویرسازی از عراق به‌عنوان کشوری شیعی، این کشور می‌تواند به‌عنوان یکی از اولین و مهم‌ترین مقاصد دیپلماسی عمومی ایران در منطقه باشد.

۱-۶-۱- تلاش برای حفظ دموکراسی در عراق

شیعیان تا قبل از سال ۲۰۰۳ میلادی و فروپاشی حزب بعث به‌عنوان یک گروه منزوی در حاشیه قرار داشته و در مناسبات قدرت نقشی نداشتند. اما پس از سقوط صدام و حزب بعث به یمن برقراری دموکراسی در کشور عراق و با توجه به برتری عددی شیعیان نسبت به دیگر

گروه‌های سنی و کُردِ عراق، توانستند در فرآیندی دموکراتیک همواره دست برتر را در منصب‌های اجرائی عراق داشته باشند. بر همین اساس و باتوجه به جمعیت ۶۰ الی ۶۵ درصدی شیعیان نسبت به جمعیت ۲۰ درصدی اکراد و ۲۰ درصدی اهل تسنن، تا زمانی که انتخابات آزاد و دموکراتیکی در عراق حاکم باشد همواره شیعیان دست برتر را در حاکمیت عراق خواهند داشت. در نتیجه، تلاش مسئولین امر در درجه اول باید این باشد که فضای دموکراتیک عراق به یک فضای تنش و درگیری که نتیجه آن از بین رفتن فضای دموکراتیک و مهیا شدن شرایط دخالت بیگانگان است تبدیل نشود. در درجه دوم نیز باید تلاش شود تا فضای وحدت بین گروه‌های مختلف شیعی حفظ شود. چرا که با وجود وحدت بین گروه‌های شیعی آنها همواره در حکومت عراق تعیین‌کننده خواهند بود.

۲-۱-۶- لزوم مشارکت تمام گروه‌ها در قدرت

هیچ وضعیتی در کشورهایمانند عراق باثبات نمی‌ماند مگر اینکه تمامی گروه‌های مهم سهم خود را از قدرت دریافت کنند. قدرت سیاسی در عراق بین سه گروه شیعیان، اکراد و اهل سنت توزیع شده است. بدون شک تنها سیستمی می‌تواند ثبات داشته باشد که سهم تمامی این سه گروه را در قدرت به آنها اعطا کند. هرگونه نظم و امنیتی که با نادیده گرفتن حقوق یکی از سه ضلع قدرت در عراق مستقر شود ناپایدار خواهد بود. بر همین اساس و باتوجه به اینکه ثبات و امنیت در عراق را نباید با هیچ چیز دیگری معاوضه کرد، لازم است تا تلاش شود سهم این سه گروه از قدرت و ثروت به آنها تعلق گیرد.

مزیت دیگر درگیر کردن تمامی گروه‌های عراقی در قدرت - حتی گروه‌های نسبتاً تندرو - این است که وقتی آنان وارد قدرت شوند لاجرم باید قواعد بازی را رعایت کنند. همچنین آنان زمانی که وارد قدرت می‌شوند باید نسبت به رفتارهای خود پاسخگو باشند. ضمن اینکه در این شرایط، منافع این گروه‌ها به ثبات و امنیت عراق گره خورده و خود این گروه‌ها بخشی از طرفداران صلح و ثبات خواهند بود.

۳-۱-۶- مدیریت تغییر

یکی از مسائلی که کشورهایی مانند ایران در منطقه خاورمیانه با آن روبرو هستند مدیریت تغییر در کشورهای تحت نفوذ است. کشورهای منطقه هراز گاهی با تغییر و تحولات درونی که بعضاً نیز با خواسته‌های تجدید نظرطلبانه همراه است روبرو هستند. تحولات کشورهای عربی منطقه در ۵ سال گذشته در کشورهای نظیر مصر، تونس، سوریه، بحرین و یمن نمونه‌ای از این موارد محسوب می‌شود. در این مواقع نقش کشورهای صاحب نفوذ مانند ایران در مدیریت چنین تغییر و تحولاتی می‌تواند اثرات مثبت و یا منفی بسیار زیادی در نزد مردمان کشورهای دارای تغییر و تحول داشته باشد. وقتی بحث نگاه و عقیده مردم یک کشور نسبت به کشور دیگر پیش می‌آید دیپلماسی عمومی موضوعیت پیدا می‌کند. در این دوران‌ها در صورتی که کشور صاحب نفوذ - مانند ایران - بتواند تحولات را به‌خوبی مدیریت کند به‌طوری‌که علاوه بر حفظ منافع ایران، گروه‌های مختلف درون آن کشور نیز به‌رسمیت شناخته شوند و منافع آنها تأمین شود، می‌تواند علاوه بر اینکه نقش میانجی‌گرایانه خود را حفظ کرده محبوبیت خود را نزد کشورهای مورد نظر بالا ببرد.

باتوجه به مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت ایران برای اینکه بتواند چهره مثبتی در میان دولت‌ها و کشورهای تحت نفوذ مثل عراق داشته باشد لازم است تا با نگاه واقع‌بینانه تلاش کند همه گروه‌ها را درگیر کرده و به‌نوعی منافع آنان را به یکدیگر گره بزند. این سیاست از یک‌سو باعث جلوگیری از به‌وجود آمدن بحران‌های داخلی شده و از دیگر سو باعث جلب نظر گروه‌های مختلف به ایران می‌شود. همچنین این نگاه در میان کشورهای منطقه و فرامنطقه به‌وجود می‌آید که ایران در مدیریت تغییر کشورهای خاورمیانه می‌تواند نقش مثبتی ایفا کند. این سیاست ائتلافی در کنار سیاست تمامیت‌خواهانه کشورهایمانند عربستان - که به‌دنبال اعمال اقتدار صد در صدی حامیان خود در کشورهای منطقه هستند- می‌تواند نقش مثبت ایران را بیش از پیش نشان دهد (Jafari Valadani & Jafari, 2016: 208). این نگاه مثبت و ائتلافی ایران به تحولات داخلی در یمن نمود عینی پیدا کرد. ایران از ابتدای تحولات داخلی و اعتراضات در یمن خواهان حکومت ائتلافی و مشارکت همه گروه‌های فعال داخلی در یمن

بود. در نقطه مقابل، تمامیت‌خواهی عربستان و گروه‌های حامی آن باعث شد درگیری‌های داخلی اوج بگیرد و نهایتاً نیز به مداخله نظامی عربستان به یمن انجامید. اما به نظر می‌رسد نتیجه تحولات داخلی و خارجی یمن نیز در نهایت همان‌طور که ایران از ابتدا مطرح می‌کرد گفتگوهای گروه‌های داخلی و تشکیل حکومت ائتلافی خواهد بود.

۲-۶- نقش ارزش‌های شیعی در دست‌یابی جمهوری اسلامی ایران به اهداف مورد نظر

پس از برشمردن ارزش‌های شیعیان و اهداف و آمال شیعیان عراق و نیز پس از تحلیل اهداف مدنظر ایران در عراق امروز، نوبت به پاسخ دادن به پرسش اصلی می‌شود: ارزش‌های شیعیان چه نقش و جایگاهی در دیپلماسی عمومی ایران در عراق دارند؟ به‌همین منظور چهار عنصر به‌عنوان عناصر اصلی ارزش تشیع معرفی شد که عبارت بودند از: امامت، عدالت، مبارزه با ظلم و حمایت از مظلوم. در این قسمت به پیشنهاداتی اشاره می‌شود که با حفظ یکپارچگی عراق در بلندمدت این کشور را به متحدی قابل اعتماد و باثبات برای ایران تبدیل می‌کند:

۱-۲-۶- عدالت

یکی از نیازهای مبرم، مهم و فوری عراق در شرایط حاضر جهت کمرنگ شدن جنگ داخلی و حفظ تمامیت ارضی و جلوگیری از تجزیه آن، نزدیکی شیعه و سنی به هم و ایجاد و حفظ وحدت میان آنها است. اصل عدالت دستاویز خوبی است برای تفهیم این مطلب که اسلام به هیچ کس هیچ اجازه‌ای در ظلم به دیگران نداده است و بر همه کس واجب است که در همه حال و در حق همه افراد، بر اساس قسط و عدل رفتار کند. بنابراین شیعیان عراقی که اکنون قدرت رسمی در عراق را در اختیار دارند باید سهم و حق واقعی و قانونی گروه‌های مختلف را در تمام مسائل ادا کنند: عراق متعلق به همه مردم عراق است.

اکنون بزرگترین اشتباه نگاه کوتاه مدت به کشور عراق است. نباید چنین تصور شود که اگر در حال حاضر قدرت اجرایی به‌صورت صددرصدی در دست شیعیان قرار دارد در بلند مدت نیز چنین خواهد بود. تجربه تحولات چندماه گذشته عراق به‌خوبی ثابت کرد که اگر سهم همه گروه‌های قدرت در عراق به آنها اعطا نشود هیچ نظمی در این کشور باثبات نخواهد بود.

نخست‌وزیر عراق طبق قانون اساسی این کشور موظف است وزارتخانه‌هایی را به اهل تسنن و همچنین کردهای عراق واگذار کند. نوری مالکی در دوران مسئولیت خود از این اقدام سرباز زد. از سوی دیگر اهل تسنن که احساس کردند نمی‌توانند از طریق فرآیند سیاسی وارد قدرت شوند در مقابل تحولات داعش سکوت کرده و در بعضی از مناطق نیز با داعش همراهی کردند. این درحالی‌ست که اگر از ابتدا سهم گروه‌های مختلف قدرت عادلانه به آنان واگذار می‌شد اتفاقاتی از این دست رخ نمی‌داد و یا حداقل با این شدت اتفاق نمی‌افتاد. به این ترتیب پیشنهاد می‌شود گروه‌های شیعی که قدرت اجرایی را در دست دارند در قدرت سیاسی عادلانه برخوردار شده و با دادن سهم گروه‌های مختلف در قدرت، از یک‌سو حس مشارکت آنان را ارضا کرده و مانع شکل‌گیری جریان‌های تجزیه‌طلبانه‌ای همچون داعش شوند و از سوی دیگر از آنجا که چنین اقدامات اصلاحی و عادلانه‌ای از سوی گروهی شیعی انجام می‌شود قطعاً افزایش محبوبیت و جذابیت تشیع را در عراق به‌دنبال خواهد داشت. چرا که در آن صورت تشیع نه به‌عنوان گروهی انحصارطلب که به‌عنوان گروهی مصلح، ملی و اصلاح‌طلب شناخته می‌شود.

با انجام چنین اقداماتی انسجام عراق حفظ خواهد شد و تا زمانی که عراق انسجام و وحدت ملی داشته باشد با توجه به برتری جمعیت شیعه این کشور نسبت به اهل تسنن و کردهای عراق، شیعیان همواره دست برتر را در قدرت خواهند داشت که با توجه به تصریح قانون اساسی و همچنین برتری جمعیتی تشیع این برتری در قدرت غیرعادلانه تلقی نخواهد شد. اما این در شرایطی خواهد بود که مسئولین اجرایی وظایف خود در سهیم کردن همه گروه‌ها در قدرت طبق قانون اساسی را به‌رسمیت بشناسند. البته در این قسمت عنصر عدالت در مصداق سیاست و امنیت عراق بحث شد که لازم است این امر به تمام سیاست‌های داخلی و خارجی تعمیم داده شود. هر قدر غلظت این عدالت در ابواب مختلف گسترده‌تر و عمیق‌تر شود، محبوبیت تشیع افزایش یافته و گروه‌های شیعی جایگاه بهتری را در میان مردم پیدا خواهند کرد.

۲-۶-۲- ظلم ستیزی

تاریخ چهل سال اخیر گواه است که یکی از نیازهای مهم هویتی جمهوری اسلامی، نیاز به استکبارستیزی است. استکبارستیزی یکی از اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته بوده است. به عبارتی دیگر، دال مرکزی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و چیزی که ایران را از دیگر کشورها جدا می‌کند همین استکبارستیزی است. این عامل را به‌وضوح در سخنرانی‌های امام خمینی (ره) قبل و بعد از پیروزی انقلاب و همچنین در سخنرانی‌های متعددی از آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان مشاهده کرد. این موارد به سخنرانی محدود نمانده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز منعکس شده است (Ajili & Esmaeili, 2014: 115-120). بر همین اساس پیدا کردن گروه‌هایی در کشورهای دیگر با مشی ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی می‌تواند برای جمهوری اسلامی مفید واقع شود. از سوی دیگر با توجه به اینکه عموم مردم و افکار عمومی نسبت به ظالم و اکنش منفی دارند تلاش گروه‌های شیعی عراق در راستای ظلم ستیزی می‌تواند منجر به افزایش محبوبیت این گروه شده و دیپلماسی عمومی را ارتقا دهد.

یکی از مصادیق مهم ظلم در شرایط حاضر به‌جز آمریکا، اسرائیل و برخی از کشورهای غربی، گروه‌های تندروی تروریستی هستند که به اسم اسلام سیاسی سنی در حال فعالیت در منطقه‌اند. القاعده، طالبان، داعش و جبهه النصره نمونه‌ای از این گروه‌ها محسوب می‌شوند. گروه‌هایی که ظلم آنان بر کسی پوشیده نیست. حمله وحشیانه به شهرها و روستاها، قتل عام دسته‌جمعی مردم بی‌گناه، کشتار کودکان، غارت اموال، تخریب اماکن تاریخی و غیره نمونه‌ای از اعمال ظالمانه گروه‌های تروریستی به‌ویژه داعش است. این اقدامات باعث شده اجماعی جهانی علیه این گروه‌های خشن به‌وجود آید و در حال حاضر عموم مردم دنیا این گروه‌ها را به‌عنوان گروه‌های تروریستی و ظالم شناسایی می‌کنند. مبارزه گروه‌های مختلف شیعی با خطر چنین گروه‌های تروریستی که از طریق بسیج عمومی از یکی دو سال گذشته در عراق شروع شده می‌تواند محبوبیت این گروه را در عراق بالا ببرد. چرا که با گروهی در حال جنگ هستند که تقریباً همه دنیا و یاحداقل افکار عمومی تمام دنیا آنان را ظالم می‌داند. از آنجا که در

دیپلماسی عمومی افکار عمومی موضوعیت پیدا می‌کند این اثر مثبت می‌تواند دوچندان نیز شود.

از سوی دیگر نکته‌ای که می‌تواند منجر به افزایش محبوبیت شیعه حتی در سطح جهانی شود توجه به این امر است که هیچ کدام از گروه‌های تروریستی که به اسم اسلام سیاسی در حال فعالیت هستند شیعه نیستند. به عبارتی دیگر، همه این گروه‌ها از درون شاخه‌های مختلف اهل تسنن به وجود آمده و رشد و نمو کرده‌اند. توجه به این نکته می‌تواند چهره تشیع را از اتهامات عدیده غربی‌ها مبرا کند. به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۴ میلادی که پادشاه اردن بحث هلال شیعی را مطرح کرد اتهامات زیادی به ایران و تشیع وارد می‌شود مبنی بر این که ایران در پی گسترش شیعه و پیش بردن اهداف خود در منطقه است (Zarghami & shooshtari & Ansarizade, 2014: 200). توجه دادن به این امر می‌تواند این اتهامات را خنثی کند. البته گفتن این نکته نیز الزامی است که توجه به این نکته اگرچه می‌تواند برای تشیع مفید واقع شود اما تأکید زیاد بر آن نیز با وحدت شیعه و سنی که یکی از اصول اساسی اعلامی جمهوری اسلامی است در تضاد قرار دارد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود این وضعیت از سوی مقامات رسمی ما اعلام نشود. چراکه به آتش اختلاف شیعه و سنی دمیده شده و مباحث فرقه‌ای پررنگ می‌شود. چنین وضعیتی قطعاً به ضرر اسلام و تشیع تمام خواهد شد. به نظر می‌رسد به مرور زمان خود مردم دنیا با توجه به اهمیت این گروه‌ها متوجه خواهند شد که گروه‌های تروریستی از اهل تسنن برخواسته و شیعیان از چنین اتهاماتی مبرا هستند. البته می‌توان این بحث را از طریق رسانه‌هایی مانند پرس تی وی که مخاطب آن کشورهای اروپایی هستند به صورت محدود مطرح کرد. البته با توجه به حساسیت این موضوع طرح این موارد به صورت محدود نیز می‌تواند تبعات داشته باشد و باید حساب شده و با مطالعه دقیق جوانب این کار را انجام داد.

از سوی دیگر ترویج این تفکر در عراق که آمریکا کشور ظالم و مستکبری است می‌تواند به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کمک کرده و ایران را در این کشور محبوب کند. این نکته زمانی به واقعیت نزدیک‌تر می‌شود که بدانیم عراقی‌ها در مجموع نگاه چندانی مثبتی به

آمریکا ندارند. چراکه در زمان اشغال این کشور هزاران عراقی توسط آمریکایی‌ها کشته شده و میلیون‌ها نفر آواره شدند. اگر در درجه اول گروه‌های شیعی نسبت به آمریکا و اقدامات آن احساس منفی پیدا کنند و این سیاست بتواند به دیگر گروه‌ها در عراق تسری پیدا کند احتمالاً محبوبیت ایران را به دنبال خواهد داشت. چرا که تنها کشوری که علم مخالفت با سیاست‌های آمریکا را در منطقه به دست دارد ایران است.

۳-۲-۶- دفاع از مظلوم

یکی از سیاست‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران دفاع از مظلوم است. این اصل را به وضوح می‌توان در سخنرانی‌های امام خمینی (ره) مشاهده کرد. این امر به سخنرانی‌ها محدود نمانده و علاوه بر انعکاس آن در قانون اساسی، مشی ۳۵ ساله جمهوری اسلامی نیز بوده است و تا آنجا که در توان ایران بوده به ستم‌دیدگان و مظلومین کمک مادی و معنوی کرده است (Fazelinia, 2012: 100-104). اگر این سیاست به گروه‌های شیعی در عراق منتقل شود و آنان با اقدامات خود دفاع از مظلوم را در دستور کار خود قرار دهند از یک سو اقداماتشان باعث افزایش محبوبیت گروه‌های شیعی در کل عراق خواهد شد و از سوی دیگر با توجه به اینکه ایران الهام بخش این گروه بوده ضریب اثرگذاری ایران را در این کشور بالا خواهد برد. یکی از سیاست‌های اصلی جمهوری اسلامی در منطقه، حمایت از فلسطین و دشمنی با اسرائیل است. این ارزش، مستمسک مناسبی است برای ایران تا شیعیان را مجاب کند که فلسطین، مظلوم و مغضوب بوده و اسرائیل غاصب است. از این طریق می‌توان جهت‌گیری ضد اسرائیلی و فلسطین‌گرایی شیعیان را تقویت کرد.

از سوی دیگر در حال حاضر مصادیق مختلفی از مظلومیت در خود عراق وجود دارد. با حمله داعش به شهرهای عراق، مردم بخش‌های سنی، شیعه و کردنشین عراق تحت ظلم و ستم این گروه قرار گرفتند. از آنجا که دولت - ملت‌سازی در عراق فرایند طبیعی خود را طی نکرده است مردم این کشور خود را به‌عنوان یک ملت منسجم و متحد تعریف نمی‌کنند (Sardarnia, 2013: 60-64). به عبارتی برای یک شیعه توجیهی ندارد که در مناطق

سنّی‌نشین برای حفظ جان اهل تسنّن بجنگد. همچنین برای یک سنّی نیز توجیهی ندارد که برای دفاع از یک شیعه در منطقه شیعه‌نشین کشته شود. این داستان برای کردها نیز دقیقاً همین است. اما از آنجا که تجزیه عراق می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران خطرناک باشد و حفظ انسجام آن سیاست رسمی جمهوری اسلامی ایران است به‌نظر می‌رسد که تلاش شیعیان عراق در حفظ مناطق سنّی‌نشین از خطر گروه‌های تروریستی می‌تواند اثرات مثبت چندگانه‌ای داشته باشد. چرا که از یک‌سو به حفظ تمامیت ارضی این کشور کمک کرده و از تجزیه آن جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر از آنجا که شیعیان در حفظ مناطق سنّی‌نشین در حال تلاش هستند باعث افزایش محبوبیت این گروه خواهد شد. البته از آنجا که این اتفاق در سال گذشته با مخالفت سنّی‌ها مواجه شد بهتر است زمانی صورت بگیرد که تقاضا از سوی خود اهل تسنّن باشد. مانند کردهای عراق که پس از آنکه نتوانستند داعش را شکست دهند از ایران درخواست کردند که به آنها کمک کند.

۴-۲-۶- امامت

گفته شد که اعتقاد به امامت - با تمام نتایجی که دارد - از اصول ارزش‌های شیعیان است. جمهوری اسلامی باید در عراق به دنبال حفظ انسجام و همبستگی و هم‌افزایی شیعیان باشد. با توجه به فرهنگ عربی و قبیله‌ای مردم عراق، این انسجام محقق نمی‌شود مگر با داشتن یک ستون خیمه مستحکم و مقبول و مشروع. مرجعیت دینی و حوزه علمیه نجف هم به جهت تاریخ خود و هم به جهت متصل بودن به امامت، تنها نهادی است که می‌تواند نقش این ستون خیمه را ایفا کند. بنابراین جمهوری اسلامی می‌تواند با تأکید بر امامت و نیز با تأکید بر اتصال مرجعیت دینی با امامت، چنین انسجامی را ایجاد، حفظ و تقویت نماید. ضمن اینکه با توجه به حاکمیت نظام ولایت فقیه در ایران، چنین اقدامی می‌تواند زمینه دل‌بستگی بیشتر شیعیان به جمهوری اسلامی را نیز فراهم کند. نکته مهم در اینجا این است که هر نوع تأکید و ترویج امامت، باید از هرگونه توهین به مقدسات اهل سنّت خالی باشد تا تبدیل به مانعی در مسیر وحدت شیعه و سنّی نشود. به عبارتی هویت امامت شیعی در جامعه متکثر عراق باید ایجابی

تعریف شود نه سلبی که نتیجه آن ایجاد و طرد غیرت اهل تسنن باشد.

۷- نتیجه گیری

مفروض نظری مقاله حاضر این است که شناختِ خالص و ناب و بی واسطه از واقعیت وجود ندارد و هر شناختی مسبوق به یک یا چند نظریه و چارچوب مفهومی است - خواه آگاهانه و اندیشیده شده، خواه ناخودآگاه؛ هر شناختی «زمینه‌مند» و «عالم اندود» و «تجربه آلود» است و تنها با واسطه‌گری «ذهنیت» است که شناخت رخ می‌دهد. ذهنیت نیز در خلأ شکل نمی‌گیرد و شرط تکوین آن، زیست جهان است. بنابراین هستی هویت و ذهنیت انسان، امری صرفاً فردی و شخصی نیست بلکه در ذات خودش، پدیداری اجتماعی و بین‌الذهانی است - هویت و ذهنیت در ارتباط و مواجهه با دیگران است که تکوین می‌یابد. نتیجتاً هویت و ذهنیت، امری ثابت و یکنواخت و لایتغیر نیست بلکه هر تجربه نظری و عملی جدیدی، تأثیر خاص خودش را دارد و لذا هویت و ذهنیت در بستر «تاریخ» است که پدیدار می‌شود و دستخوش تغییر و تبدل می‌شود.

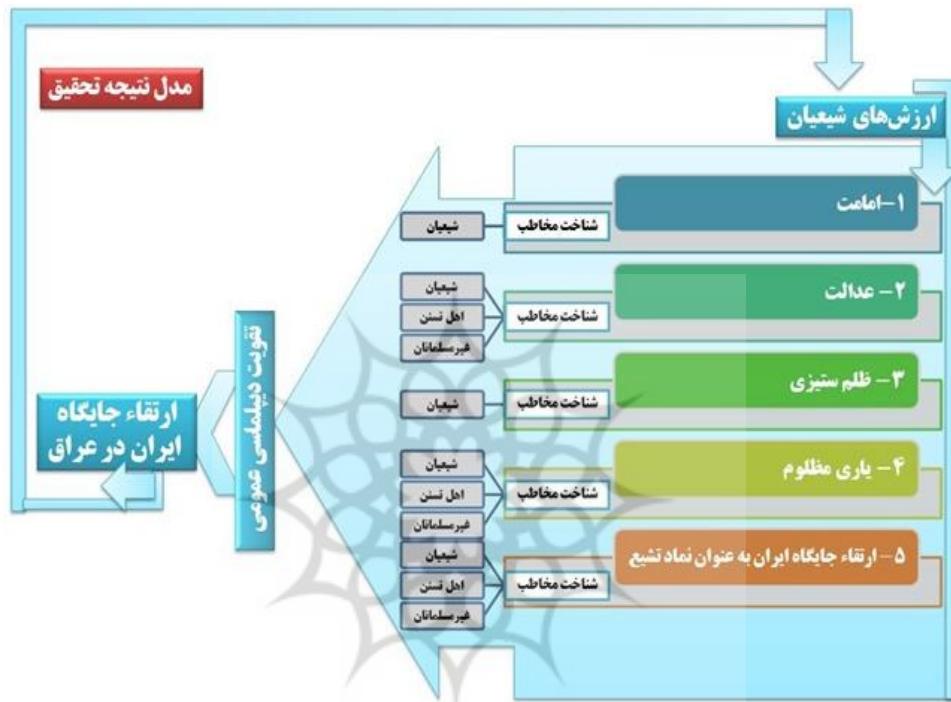
مطلب دیگر آنکه، یکی از اساسی‌ترین عناصر در تعیین‌بخشی به هویت و ذهنیت انسان و جامعه، ارزش‌هایی است که به آنها دست پیدا کرده، آنها را به رسمیت شناخته و دست‌کم برای خود محترم می‌شمرد. بنابراین ما اگر بخواهیم - با انگیزه تغییر دادن و جهت‌دهی به رفتار او و یا با هر نیت دیگری - کنش‌ها و واکنش‌های انسانی را فهم کنیم باید هویت و ذهنیت وی را برای خود بازسازی کنیم و برای این بازسازی، لاجرم باید ارزش‌های مورد قبول و احترام او را فهم نماییم.

همان‌گونه که در متن مقاله به آن اشاره شد دو سیاست تشویق و تنبیه در سیاست خارجی جزء دیپلماسی رسمی کشورها قرار می‌گیرد. اما نوع دیگری از ترغیب به انجام یک کار نیز وجود دارد و آن ایجاد جذابیت است. زمانی که در انجام کاری تشویق یا تنبیه درکار نباشد و ایجاد جذابیت مطرح باشد، دیپلماسی عمومی موضوعیت پیدا می‌کند. دیپلماسی عمومی یعنی اینکه کشوری بتواند با عملکرد خود چنان تصویر مثبت و سازنده‌ای از خود به‌جای بگذارد که

بدون اینکه تشویق و یا تنبیهی در کار باشد دیگر کشورها به تبعیت از رفتار این دولت بپردازند. کاری که این نوشتار به دنبال آن بود، این بود که تلاش کند مواردی را پیدا کند که با ایجاد جذابیت منجر به ارتقاء جایگاه جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق شود.

فرضیه مقاله حاضر نیز این بود که ارزشهای شیعی به عنوان زمینه فرهنگی مشترک میان ایران و عراق می تواند به عنوان عاملی در جهت افزایش موفقیت دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی به کار گرفته شود. این فرضیه طی تحقیق به اثبات رسید و مشخص شد ارزشهای شیعی میتواند نقش متغیر مستقلی در پیشبرد دیپلماسی عمومی به عنوان متغیر وابسته داشته باشد. به عبارت دیگر بین دو متغیر مذکور رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. به این ترتیب که هر قدر ارزشهای شیعی با مکانسم های توضیحی ارائه شده ارتقا یابد ظرفیت دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی در عراق نیز ارتقا پیدا می کند.

ایران به عنوان کشوری که وضعیت فعلی عراق - که شیعیان در قدرت دست بالا را دارند - هم راستا با منافع ملی آن است باید تلاش کند تا عراق هر چه سریعتر به سمت تثبیت حرکت کرده و تمامیت ارضی آن در میان تمامی گروه ها نهادینه شده و به عنوان یک اصل پذیرفته شود. برای حرکت در این مسیر نیز چند پیشنهاد در قالب ارزش های چهارگانه تشیع مطرح شده است. قابل ذکر است از آنجا که ایران در منطقه به عنوان نماد کشور شیعی شناخته می شود هرگونه ارتقاء جایگاه ایران نزد کشورهای منطقه ارتقاء جایگاه تشیع را به همراه خواهد داشت. بر همین اساس هر پیشنهادی که ارتقاء جایگاه جمهوری اسلامی ایران را به دنبال داشته باشد، ارتقاء شأن و منزلت تشیع به حساب خواهد آمد.



شکل شماره ۱: مدل ارتقای جایگاه ایران در عراق

۸- قدردانی

نگارنده‌گان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه امام حسین (ع) به خاطر همکاری و حمایت‌های مادی و معنوی در راستای به سرانجام رسیدن پژوهش حاضر، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشند.

References

1. Aboutalebi, Mahdi, (2006), The Role of The Shia's Political Culture in The Islamic Revolution, Mafat Quarterly, Vol. 14, No. 98, PP. 10-23 [In Persian].
2. Ajili, Hadi & Esmaeili Ardakani, Ali & Yaghinipour, Mostafa, (2014), An Analysis of Ayatollah Khamenei's Discourse about Iran-U.S Relation, Islamic Revolution Research Quarterly, Vol. 3, No. 9, PP. 109-134 [In Persian].
3. Akhavan Kazemi, Masoud & Azizi, Parvaneh, (2009), Public Diplomacy and Its Islamic Pattern, Rasaneh Quarterly, Vol. 20, No. 4, PP. 5-22 [In Persian].
4. Ashna, Hesam Al-din; Jafari Haftkhani, Nader, (2007), Public Diplomacy and Foreign Policy: The links and Objectives, Political Knowledge Bi-quarterly, Vol. 3, No. 5, PP. 179-206 [In Persian].
5. Ashtarian, Kiyoumars; Jafari Haftkhani, Nader, (2007), Decision-Making in Foreign Policy and The Role of Public Diplomacy in The Process of Decision-Making, Managmen Thought Quarterly, Vol. 1, No. 1, PP. 111-140 [In Persian].
6. Ataei, Farhad & Mansouri Moghadam, Mohammad, (2013), The Genealogy of Saudi Arabia Foreign Policy; A Realistic Approach Based on Identity, Foreign Relations Quarterly, Vol. 17, No. 5, PP.133-168 [In Persian].
7. Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal & Firouzi Alireza, (2012), Public Diplomacy of Islamic Republic of Iran In The Conservative During, Foreign Relations Quarterly, Vol. 4, No. 2, PP. 71-110 [In Persian].
8. Farnsworth, D., (1992). International relation. Chicago, Nelson hall.
9. Fazelinia, Nafise, (2012), Shia Geopolitics and West fear of the Islamic Revolution, Tehran: Shia Studies Publications [In Persian].
10. Feirahi, Davood, (2003), The Political System and Government in Islam, Tehran: Samt Publications [In Persian].
11. Ghaderi, Hatam, (2008), Political Thought in Islam and Iran, Tehran: Samt Publications [In Persian].
12. Ghasemi, Farhad, (2005), Principles of International Relations, Tehran: Mizan Publications [In Persian].
13. Ghavam, Seyed Abdolali, (2005), From Modern Diplomacy To Media Diplomacy, Law and Politics Research Journal, Vol. 7, No. 17, PP. 7-18 [In Persian].
14. Goldstein, Joshuas, (1999), International Relations. New York: Longman.
15. Hadian, Naser & Saeidi, Rouh-al-amin, (2013), From Traditional to New Public Diplomacy: Habermasian approach, Strategy Quarterly, Vol. 22, No. 68, PP. 33-62 [In Persian].
16. Jafari Valadani, Asghar & Jafari Hormoz, (2016), Foundations of Political Stability Maintaining in Saudi Arabia (2011-2015), Geopolitics Quarterly, Vol. 12, No. 1, PP. 189-216 [In Persian].

17. Jafarian, Rasool, (2011), *Shiite Atlas*, Tehran: Armed Forces Publications [In Persian].
18. Jahangir, Kiamars & Yousefnia Pasha, Mohammad Bagher, (2012), *The Possibility of Localization of Politics in The Islamic Republic of Iran From The Perspective of Constructivism*, *Politics Quarterly*, Vol. 42, No. 20, PP. 133-150 [In Persian].
19. Madison, J. (2005). *The US advisory commission on public diplomacy*. New York.
20. Malekmakan, Hamid & Javan Arasteh, Amir & Soltani, Mostafa, (2010), *Shia in Iraq in The Early Centuries*, Qom: Mazaheb University Press [In Persian].
21. Manoochehri, Abbas, (2011), *Approach and Method in Political Science*, Tehran: Samt Publications [In Persian].
22. Mobini Moghadas, Majid & Abd Sarmadi, Narges, (2008), *New Public Diplomacy and Islamic Awakening*, *Islamic Revolution Studies Quarterly*, Vol. 10, No. 33, PP. 103-122 [In Persian].
23. Morrow, E., (1965), *gullion Feltcher School of law and diplomacy*, Tufts University Edward center of public diplomacy.
24. Moshirzadeh, Homeira, (2010), *The Evolution of The Theories of International Relations*, Tehran: Samt Publications [In Persian].
25. Nikaein, Ehsan-Allah, (2009), *Public Diplomacy; a New Approach in The Field of International Relations*, *Foreign Policy Quarterly*, Vol. 23, No. 90, PP. 361-394 [In Persian].
26. Pourahmadi, Hossein & Mousavinia Mohammad Reza, (2006), *U.S Foreign Policy in The Middle East after September 11 From Point of View Realism, Liberalism and Constructivism*, *Law and Politics Research Journal*, Vol. 8, No. 20, PP. 23-52 [In Persian].
27. Public Lord, C., (2006), *losing hearts and minds? Public diplomacy and strategic influence in the age of terror*. Washington.
28. Reyman Aron, (1973), *Peace and war: A theory of International Relations*, Anchorpress.
29. Sardarnia, Khlil-allah, (2013), *ntroduction to Political Sociology of Middle East*, Tehran: Mizan Publications [In Persian].
30. Seyed Emami, Kavooos, (2007), *Research in Political Science: Positivism, Interpretive, and Critical*, Tehran: Imam Sadeq Publications [In Persian].
31. Seyfzadeh, Seyed Hossein, (2004), *Principles of International Relations*, Tehran: Mizan Publications [In Persian].
32. U.S Department of State, (1987), *Dictionary of international relation terms*, Washington.
33. Zarghami, Barzin; Shooshtari, Seyed Mohammad Javad; Ansarizade, salman, (2014), *Shia Geopolitics or Shiite Crescent (Principles, Goals and Approaches)*, *Human Geography Research Quarterly*, Vol. 46, No.1, PP. 197-214 [In Persian].